

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

هفتم آگست ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

## دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۱۰

## مُقَطَّعات

- ۱۱ -

حاش الله<sup>۱</sup>، که دل و جان من از همچو تو ترسد  
بحر عمان را، ز آتش سوزان چه مَصْرَت؟  
لیک بر شوخی رسمی، قلم نظم کشیدن  
گرچه رنجیدم و غمناک شدم، لیک گذشتم  
یک سخن گر همه فحش است توان کرد تغافل  
دوستی ثابت و برجاست، بدان شرط، که گفتم  
خود چه حاصل ز چنین صحبت بر دعوی باطل  
صحبتی کاخرش البته بود، لازم رنجش

شیر ترسان شود از پنجه گرگ، این چه گمان است  
کام<sup>۲</sup> ثعبان را، ز زهر هلاهل، چه زیان است  
از ره عقل بعید است و مرا رنجش ازان است  
از مُعادا<sup>۳</sup>، که در ایصال<sup>۴</sup> مکافات ضمان است  
تا ازین بعد نگوئید، که تقصیر فلان است  
به جز آن نیز علاجی نبُود، شرط همان است  
کاول<sup>۵</sup> آن غم دل، آخر آن، محنت جان است  
نیست صحبت، که بلائی ز بلاهای جهان است

<sup>۱</sup> این بیت در نسخه کاتب اصل موجود نیست و در اصل بدین شکل درج است (عاشق الله که دل و جان من از همچو تو ترسد) (حاش

الله) قیاسی ست. را مصحیح حدس زده است. (مهتم دیوان)

<sup>۲</sup> "ثعبان": (به ضم اول) کلمه عربی و در معنای "شمار" یا "ازدها"

<sup>۳</sup> "مُعادا" مراد از "معادات" است، که مصدر باب "مفاعله" و در معنای "باهم عداوت گزیدن" است

<sup>۴</sup> "ایصال": مصدر باب "افعال" عربی، برخاسته از ریشه "وصل" و در معنای "وصل کردن" است

ما مگر آهن و سنگیم، که در هم چو رسیدیم حاصل همدمی ما، شرر و نار و دُخان است  
به که این آهن و آن سنگ، به هم سوده نگردد  
تا درین مزرعه این خرمن الفت، به امان است

\* \* \*